



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



22 جنوری 2026

داکتر سید عبدالله کاظم

دونالد ترامپ رئیس جمهور ایالات متحده امریکا و نظم جهانی!

همین چند ساعت قبل (مورخ 22 جنوری 2026) مقاله بسیار مهم را در ویبسایت فارسی بی بی سی خواندم تحت عنوان «لیز دوست: ترامپ بیش از هر رئیس جمهوری پس از جنگ جهانی دوم نظم جهانی را دگرگون کرده است» که نویسنده آن لیز دوست - خبرنگار ارشد بین المللی بی بی سی میباشد. از آنجائیکه یک سال از دوره دوم ریاست جمهوری آقای ترامپ میگذرد و در همین روزها سال دوم ریاست جمهوری موصوف آغاز گردیده، نویسنده مقاله کوشیده است به نکات مهمی سیاست های او بخصوص در مسایل بین المللی طی این یک سال گذشته روشنی اندازد. به دلیل اهمیت موضوع خواستم این نوشته را عیناً اقتباس و خدمت علاقمندان مسایل روز در این پورتال وزین تقدیم دارم؛ متن مکمل مقاله:

آغاز متن:

او از همان روز نخست، به جهان هشدار داد.

«هیچ چیز جلودار ما نخواهد بود.» دونالد ترامپ، رئیس جمهور آمریکا، در میان تشویق های پرشور، این جمله را در پایان سخنرانی مراسم تحلیف خود در یک روز سرد زمستانی در واشنگتن اعلام کرد؛ روزی که آغاز دومین دوره ریاست جمهوری او بود.

آیا جهان به اندازه کافی به این هشدار توجه کرد؟

در لابه لای سخنرانی او اشاره ای به دکترین قرن نوزدهمی «سرنوشت محتوم» آمده بود. او به مانیفستی اشاره می کرد که می گوید ایالات متحده رسالتی آشکار برای گسترش قلمرو خود در سراسر قاره آمریکا و ترویج ارزش های آمریکایی دارد.

در آن لحظه کانال پاناما در تیررس او بود. دونالد ترامپ اعلام کرد: «آن را پس می گیریم.»

اکنون همان اعلامیه، با همان قطعیت مطلق، متوجه گرینلند شده است.

«باید آن را داشته باشیم.» این شعار تازه اوست و هشدار خشن در لحظه ای آکنده از خطرهای جدی.

تاریخ آمریکا مملو از تهاجم، اشغال و عملیات مخفی جنجالی برای سرنگونی حاکمان و حکومت هاست. اما در یک قرن گذشته، هیچ یک از روسای جمهور آمریکا تهدید نکرده بود که سرزمین یک متحد دیرینه را تصرف کند و آن را برخلاف خواست مردمش اداره کند.

هیچ رهبر آمریکایی تا این اندازه هنجارهای سیاسی را درهم نشکسته و اتحادهای دیرپایی را که از پایان جنگ جهانی دوم پایه های نظم جهانی را شکل داده اند، تهدید نکرده است.

تردیدی نیست که قواعد قدیمی، بدون ترس از مجازات در حال نقض شدن هستند.

آقای ترامپ اکنون به عنوان رئیس جمهوری توصیف می شود که شاید بیش از هر کس دیگری در حال دگرگون کردن نظم موجود است، کسی که هوادارانش در داخل و خارج او را تشویق می کنند، در پایتخت های سراسر جهان زنگ خطر را به صدا درآورده و در مسکو و پکن، سکوتی محتاطانه برانگیخته است.

د پانو شمیره: له 1 تر 5

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنی دلیکنیزی بنی پازوالی د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرولو مخکې په خیر و لولی

امانوئل مکرون، رئیس‌جمهور فرانسه، در سخنرانی صریحی در مجمع اقتصادی داووس، بدون آن‌که مستقیماً نامی از دونالد ترامپ ببرد، هشدار داد: «این تغییری است به سوی جهانی بدون قاعده، جایی که حقوق بین‌الملل زیر پا گذاشته می‌شود و تنها قانونی که گویا اهمیت دارد، قانون قوی‌تر هاست، آن هم در حالی که جاه‌طلبی‌های امپریالیستی دوباره سر برآورده‌اند.»

نگرانی‌ها درباره احتمال در گرفتن یک جنگ تجاری دردناک میان متحدان رو به افزایش است. حتی در برخی محافل بیم آن می‌رود که در بدترین حالت ممکن، اگر رئیس‌جمهور آمریکا بخواهد برای تصرف گرینلند به زور متوسل شود، اتحاد نظامی ۷۶ ساله ناتو در معرض خطر قرار گیرد.

مدافعان آقای ترامپ با قدرت از دستور کار «اول آمریکا» دفاع می‌کنند و نظم چندجانبه پس از جنگ جهانی دوم را به چالش می‌کشند.

وقتی در بی‌بی‌سی از رندی فاین، نماینده جمهوری‌خواه کنگره، سوال شد که آیا تصرف گرینلند نقض منشور سازمان ملل است، او پاسخ داد: «به نظر من سازمان ملل در ایفای نقش خود برای حمایت از صلح در جهان کاملاً شکست خورده و صادقانه بگویم، هر چه آن‌ها فکر می‌کنند، احتمالاً انجام عکس آن کار درست است.» آقای فاین هفته گذشته لایحه‌ای با عنوان «قانون الحاق و ایالت شدن گرینلند» را به کنگره ارائه کرد.

واکنش متحدان نگران آمریکا، در حالی که به نظر می‌رسد هیچ‌چیز جلودار آقای ترامپ نیست، چه خواهد بود؟

در طول یک سال گذشته که با پیچ‌وتاب‌های دیپلماتیک زیادی بر سر نحوه برخورد با اقدامات غیرقابل پیش‌بینی رئیس‌جمهور و فرمانده کل قوای آمریکا همراه بوده، عبارات متعددی بر سر زبان‌ها افتاده است.

کسانی که اصرار دارند همه مسائل را می‌توان از طریق گفتگو حل و فصل کرد، می‌گویند:

«باید او را جدی بگیریم، اما نه به معنای واقعی کلمه.»

این رویکرد، تنها تا حدی، در تلاش برای شکل دادن به پاسخ واحد اروپا به جنگ ویرانگر روسیه در اوکراین کارساز بوده است.

آقای ترامپ اغلب از هفته‌ای به هفته دیگر تغییر موضع می‌دهد: یک بار دیدگاه‌هایی نزدیک به روسیه را مطرح می‌کند، سپس به سمت اوکراین متمایل می‌شود و بعد دوباره به مدار روسیه برمی‌گردد.

کسانی که مواضع حداکثری دونالد ترامپ را ادامه تاکتیک‌های معامله‌گری او در دوران فعالیتش در بازار املاک نیویورک می‌دانند، می‌گویند: «او یک بساز و بفروش است.»

این نگاه در تهدیدهای مکرر او به اقدام نظامی علیه ایران هم دیده می‌شود، هرچند روشن است که گزینه‌های نظامی همچنان روی میز شلوغ او قرار دارند.

مارکو روبیو، وزیر خارجه آمریکا، که بارها درباره تاکتیک‌های دونالد ترامپ مورد پرسش قرار گرفته، توضیح می‌دهد: «او مثل سیاستمداران سنتی حرف نمی‌زند. او می‌گوید و بعد عمل می‌کند.» این بالاترین ستایشی است که آقای روبیو در دفاع از رئیسش، در برابر آنچه کارنامه ناامیدکننده روسای جمهور پیشین می‌خواند، مطرح می‌کند.

مارکو روبیو از جمله صداهای اصلی بوده که تلاش کرده تهدیدهای آقای ترامپ درباره گرینلند را تعدیل کند و تاکید کرده که او می‌خواهد این جزیره راهبردی و پهناور قطبی را بخرد، نه آن‌که آن را اشغال کند.

او یادآوری کرده که آقای ترامپ از دوره اول ریاست‌جمهوری‌اش به دنبال گزینه‌هایی برای خرید بزرگ‌ترین جزیره جهان، با هدف مقابله با تهدیدهای چین و روسیه، بوده است.

اما نمی‌توان روش‌های زورگویانه دونالد ترامپ، بی‌اعتنایی او به اقدامات جمعی و باورش به این که «حق با قوی‌تر است» را انکار کرد.

زانی مینتون بدوس، سردبیر مجله اکونومیست، می‌گوید: «او مرد معامله و قدرت عریان است، قدرتی به سبک مافیا.»

«او سودی در اتحادها نمی‌بیند و به آمریکا به چشم یک ایده یا مجموعه‌ای از ارزش‌ها نگاه نمی‌کند؛ او پیشیزی برای این مسائل ارزش قائل نیست.»

و این را پنهان هم نمی‌کند.

آقای ترامپ اوایل همین ماه در مصاحبه‌ای مفصل با نیویورک‌تایمز گفت: «ناتو اصلاً برای روسیه یا چین ترسناک نیست. حتی ذره‌ای. اما ما به شدت ترسناکیم.»

اگر مسئله مربوط به امنیت باشد، آمریکا هم‌اکنون نیروهایی در گرینلند دارد و طبق توافق ۱۹۵۱ می‌تواند نیروهای بیشتری اعزام و پایگاه‌های بیشتری ایجاد کند.

اما آقای ترامپ با قاطعیت می‌گوید: «باید مالک آن باشم.»

او اغلب به صراحت می‌گوید: «دوست دارم برنده شوم.» شواهد روزافزونی وجود دارد که نشان می‌دهد تمام ماجرا بر سر همین موضوع است.

چرخش‌های ناگهانی سیاست‌های او در یک سال گذشته گیج‌کننده بوده است.

در ماه مه شاهد بودیم که سخنرانی او در ریاض، پایتخت عربستان سعودی، در نخستین سفر خارجی دوره دوم ریاست‌جمهوری‌اش با استقبال پرشوری روبه‌رو شد.

ترامپ «مداخله‌جویان» آمریکایی را هدف حملات خود قرار داد و آن‌ها را به شدت سرزنش کرد که با ورود به جوامع پیچیده‌ای که حتی خودشان هم درکی از آن‌ها نداشتند، بیش از آنکه آبادانی به بار بیاورند، ویرانی به جا گذاشتند.

در ژوئن، زمانی که اسرائیل به ایران حمله کرد، گزارش شد که دونالد ترامپ به بنیامین نتانیاها، نخست‌وزیر اسرائیل، هشدار داده بود که با تهدیدهای نظامی علیه تهران، دیپلماسی او را به خطر نیندازد.

اما تا پایان همان هفته، وقتی موفقیت اسرائیل در ترور دانشمندان هسته‌ای و مقام‌های امنیتی ارشد را دید، گفت: «فکر می‌کنم عالی بوده است.»

«عادی‌سازی تصنعی» اصطلاحی بود که چند ماه پیش ادوارد لوس از فایننشال تایمز ابداع کرد تا رویکرد مبادی‌آداب جهان در قبال دونالد ترامپ را توصیف کند؛ یعنی صف طولانی رهبرانی که با چاپلوسی و هدایای درخشان به دیدار او می‌روند تا بلکه او را با خود همراه کنند.

ادوارد لوس اخیراً در یادداشتی نوشت: «توجیه‌گران ترامپ که تعدادشان از معتقدان واقعی به او بیشتر است، شبانه‌روز در تلاشند تا به سیاست‌های او رنگ و بوی عقلانیت بدهند و آن‌ها را به صورت مجموعه‌ای منسجم و منطقی جلوه دهند.»

این موضوع در اکتبر گذشته کاملاً مشهود بود؛ زمانی که رهبران سراسر جهان فراخوانده شدند تا در منطقه ساحلی شرم‌الشیخ مصر در کنار او باشند و بیانیه پرطمطراق او را جشن بگیرند که اعلام می‌کرد «بالاخره پس از ۳۰۰۰ سال، در خاورمیانه صلح برقرار شده است.»

نخستین مرحله مهم از طرح صلح او به آتش‌بسی حیاتی در غزه و آزادی فوری گروگان‌های اسرائیلی انجامید.

این دیپلماسی سخت‌گیرانه دونالد ترامپ بود که بنیامین نتانیاها و حماس را وادار به پذیرش آن کرد. این یک پیشرفت بزرگ بود که تنها دونالد ترامپ قادر به تحقق آن بود.

اما در واقع آن لحظه، به معنای آغاز صلح نبود و هیچ‌یک از حاضران حقیقت ناخوشایند پشت ماجرا را بیان نکردند.

سال گذشته رویکرد آقای ترامپ در قالب «سرنوشت محتوم» توصیف می‌شد. امسال پس از حمله به ونزویلا، دکترین مونرو که به اوایل قرن نوزدهم برمی‌گردد، به‌روز شده و به «دکترین دونرو» تبدیل شده است.

دونالد ترامپ اکنون مالک این رویکرد است، با پشتوانه هواداران پرشورش و با این باور که آمریکا می‌تواند برای حفاظت از منافع خود، در حیاط خلوتش و فراتر از آن، هر طور که بخواهد عمل کند.

گاهی او را انزواطلب می‌نامند، گاهی مداخله‌گر. اما شعاری که او را دوباره به قدرت رساند همیشه مطرح بوده است: «عظمت را به آمریکا برگردانیم.»

نامه او به یوناس گار استوره، نخست‌وزیر نروژ، نشان‌دهنده دلخوری و سواس‌گونه‌اش از این بود که جایزه نوبل صلح را نبرده است.

آقای ترامپ خطاب به آقای استوره نوشت: «دیگر احساس تعهد نمی‌کنم که صرفاً به فکر صلح باشم، هر چند این مسئله همیشه اولویت خواهد داشت، اما اکنون می‌توانم به آنچه برای ایالات متحده آمریکا خوب و شایسته است فکر کنم.»

وقتی از اسپن بارت ایده، وزیر امور خارجه نروژ، درباره این نامه پرسیدم، او با لحنی دیپلماتیک گفت: «امروز، روز خوبی برای خویشتن‌داری نروژی است.»

نروژ با آرامش اما محکم، در دفاع از گرینلند و دانمارک و حفظ امنیت جمعی در قطب شمال ایستادگی کرده است.

واکنش‌های اروپایی همچنان در مسیری لغزنده در نوسان است.

آقای ماکرون وعده داده است که «بازوکای تجاری» اتحادیه اروپا، یعنی تعرفه‌های متقابل و محدود کردن دسترسی به بازار پرسود این اتحادیه را به کار بگیرد.

جورجیا ملونی، نخست‌وزیر ایتالیا و از نزدیک‌ترین متحدان اروپایی رئیس‌جمهور آمریکا، به‌طور مبهم از «مشکل درک و سوءتفاهم» سخن گفته است.

کی‌یر استارمر، نخست‌وزیر بریتانیا، به صورت قاطع و علنی از تمامیت ارضی گرینلند دفاع کرده است، اما می‌کوشد با پرهیز از تعرفه‌های تلافی‌جویانه، پیوندی شخصی خود با آقای ترامپ را که طی یک سال گذشته برقرار کرده حفظ کند.

دونالد ترامپ با انتشار پیام‌های خصوصی رهبرانی که با ابزارهای قدیمی دیپلماسی تلاش می‌کنند او را در کنار خود نگه دارند، عملاً دست آن‌ها را رو کرده است.

امانوئل ماکرون نوشته بود: «پنجشنبه، پیش از بازگشتت به آمریکا، بیایید شامی را با هم در پاریس صرف کنیم» و در میان ستایش از دیگر دستاوردهای سیاست خارجی دونالد ترامپ افزوده بود: «نمی‌فهمم در مورد گرینلند چه می‌کنید.»

مارک روت، دبیرکل ناتو، که سال گذشته به خاطر مدیریت قاطع ترامپ در جنگ ۱۲ روزه ایران و اسرائیل او را ستایش کرده بود، نوشت: «بی‌صبرانه منتظر دیدارتان هستیم.»

آقای روت و دیگران، تهدیدهای صریح رئیس‌جمهور آمریکا را عامل واداشتن اعضای ناتو به افزایش چشمگیر هزینه‌های دفاعی در سال‌های اخیر دانسته‌اند.

هشدارهای آقای ترامپ از دوره اول ریاست‌جمهوری‌اش، روندی را شتاب بخشید که روسای جمهور پیشین آمریکا خواهان آن بودند و اعضای ناتو خودشان در سایه تهدیدهای روسیه آغاز کرده بودند.

در آن سوی اقیانوس اطلس، کشوری که سال‌ها در سایه آمریکا زندگی کرده، تلاش می‌کند مسیر متفاوتی را برای آینده خود ترسیم کند، هرچند با چالش‌های خاص خود روبه‌روست.

مارک کارنی، نخست‌وزیر کانادا، هفته گذشته در جریان سفرش به چین با لحنی صریح گفت: «باید جهان را آن‌گونه که هست بپذیریم، نه آن‌گونه که دوست داریم باشد.»

این نخستین سفر یک رهبر کانادایی به پکن از سال ۲۰۱۷ بود؛ پس از سال‌ها تنش شدید و نشانه‌های روشن از جهان به سرعت در حال تغییر.

تهدید حیرت‌انگیز ترامپ مبنی بر الحاق همسایه شمالی آمریکا، این هفته بار دیگر در پستی در شبکه‌های اجتماعی مطرح شد؛ پستی که نیم‌کره غربی، از جمله کانادا و گرینلند، را پوشیده از پرچم‌های آمریکا نشان می‌داد.

کانادایی‌ها می‌دانند هنوز این خطر وجود دارد که بعد از گرینلند نوبت آن‌ها باشد.

مارک کارنی، رئیس پیشین بانک مرکزی بریتانیا، سال گذشته با این باور کانادایی‌ها به نخست‌وزیری رسید که او بهترین فرد برای ایستادگی در برابر ترامپ است.

او از همان ابتدا «دلار به دلار» پاسخ داد و تعرفه‌های تلافی‌جویانه علیه آمریکا وضع کرد، تا زمانی که این وضعیت برای اقتصاد بسیار کوچک‌تر کانادا، که بیش از ۷۰ درصد تجارتش با همسایه جنوبی است، بیش از حد طاقت‌فرسا شد.

آقای کارنی وقتی سه‌شنبه در داووس پشت تریبون رفت، بر همین نقطه گسست تمرکز کرد.

او گفت «هژمونی آمریکا به طور خاص به تامین کالاهای عمومی، باز بودن مسیرهای دریایی، یک نظام مالی باثبات، امنیت جمعی و حمایت از چارچوب‌های حل‌وفصل اختلافات کمک کرده است» و بی‌پرده افزود: «ما در میانه یک گسست هستیم، نه یک گذار.»

وقتی نیویورکتایمز از دونالد ترامپ پرسید چه چیزی می‌تواند جلوی او را بگیرد، رئیس‌جمهور آمریکا پاسخ داد: «اخلاق خودم. ذهن خودم. تنها چیزی که می‌تواند مرا متوقف کند همین است.»

این همان چیزی است که پشت تلاش انبوه متحدان برای متقاعد کردن، چاپلوسی یا واداشتن او به تغییر نظرش قرار دارد.

این بار، تضمینی نیست که موفق شوند. (پایان مقاله لیز دوست)

امیدوارم متن این مقاله کسانی را که در چهار راه بی‌سرنوشتی نظم جهانی سرگردان اند و نمیدانند جهان به کدام سو خواهد رفت و چه رویدادهای دیگر در این جهان به وقوع خواهد پیوست، کمک کند تا با مطالعه و بررسی اوضاع کنونی درکی لازم از عمق رویدادها در طول سال جاری و سالهای دیگر داشته باشند.

آرشیف: مطالب دیگر محترم داکتر سید عبدالله کاظم